



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه هنر
رابطه اسطوره و هنر در اندیشه ارنست کاسیرر

مونا رضائی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امیر نصری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر حیدری

بهمن ۱۳۹۰



فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: رابطه اسطوره و هنر در اندیشه ارنست کاسیرر		
نویسنده/محقق: مونا رضائی		
مترجم: -		
استاد راهنما: دکتر امیر نصری	استاد مشاور/ استاد داور: دکتر حیدری	
کتابنامه:	واژه نامه:	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی	<input type="checkbox"/> توسعه ای	<input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی
تعداد صفحات: ۱۹۷	گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژگان به زبان فارسی: صورت سمبولیک، ابژه، سوژه، کارکرد بیانگر آگاهی، عمل خلاقه آگاهی، اسطوره و هنر.		
کلید واژگان به زبان انگلیسی: Symbolic Form, Subject, Object, Consciousness, Expressive function of thought, Creative act of mind, Myth and Art.		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): از آنجا اسطوره بخشی اساسی و بنیادین از فرهنگ انسان را به خود اختصاص داده است، بررسی و شناخت کارکردهای اسطوره و ساختار آگاهی انسان در این صورت از تاریخ فرهنگی بشر، و نیز صورتهای دیگری که از ساختار اسطوره مشتق شده اند و یا در طول زمان با آن هم پیوند بوده اند، بسیار حائز اهمیت است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری، پرسش ها و فرضیه ها: اساس بررسی های موجود در این پژوهش بر مبنای طرح فلسفی کاسیرر در حوزه فرهنگ بشر شکل گرفته است که صورتهای متفاوتی از آگاهی را نمایان می کند. بررسی دو صورت اسطوره و هنر، ارتباطات ساختاری و تمایزات، و این مهم که هنر چگونه و طی چه فرایندی از ساختار اسطوره ای اندیشه جدا شده و بیانی مستقل و قائم به ذات می یابد، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا ابتدا مفاهیم اساسی در طرح فلسفی کاسیرر مورد بررسی واقع شده است.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها: تحقیق بر مبنای روش کتابخانه ای صورت پذیرفته است و تلاش شده است از منابع دست اول، نقدها و تحلیل های برجسته در این زمینه استفاده شود.

ت. یافته های تحقیق: در این پژوهش با ابعاد مختلف نظریه کاسیرر در باب اسطوره و دیگر صورتهای اساسی فرهنگ انسان و مفاهیم بنیادین آن آشنا شده و در می یابیم که صورت های سمبولیک به واسطه ارتباطی ساختاری و مفهومی ادراک متفاوت جهان در ذهن انسان را نمایان می سازند.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات: هنر و نیز تمامی صورتهای آگاهی در انسان در ابتدای پیدایش خود با اسطوره هم پیوند بوده اند و با آنکه هنر اکنون در مکانی متفاوت از گذشته تاریخی خود قرار دارد اما همچنان در بطن خود برخی جنبه های بنیادین آگاهی اسطوره ای را حفظ کرده و ارتباطی ناگسستنی با زمینه تاریخی پیدایش خود دارد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را آگاهی می نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

To the one who is my own Myth

تشکر و قدردانی

پیشرفت و دستاوردهای علمی بشر تنها مدیون صبر و شکیبایی یک استاد در انتقال دانش خود به شاگردانش می باشد. بی شک استاد راهنمای این پایان نامه، جناب آقای دکتر امیر نصری، با صبر و شکیبایی فراوان خویش نقش چشم گیری در این مهم داشته است. لازم می دانم از راهنمایی های ایشان در انجام این پایان نامه کمال تشکر و قدردانی را بعمل آورم.

چکیده:

ارنست کاسیرر که عنوان فیلسوف فرهنگ را به خود اختصاص داده است، تمامی صورت‌های آگاهی در انسان را از اتحاد و یکپارچگی در ساختار برخوردار می‌داند و معتقد است صورت سمبولیک اسطوره اولین نمود آگاهی انسان و مبدأ شکل‌گیری دیگر صورت‌ها است. کاسیرر صورت سمبولیک هنر را صورتی متأخرتر در آگاهی انسان میدانند که برآمده از ادراک اسطوره‌ای اندیشه است و در طول زمان از ساختار آگاهی اسطوره‌ای جدا شده و بیانی مستقل و قائم به ذات می‌یابد. لذا در این پایان نامه سعی میشود به بررسی نسبت میان این دو صورت در آگاهی انسان، چگونگی برخاستن هنر از ادراک اسطوره‌ای، تمایزات و تشابهات میان آنها و نیز این مهم که هر یک از این صورت‌ها چگونه درک و شناخت متفاوتی از هستی را برای انسان نمودار می‌سازند، پرداخته شود. به موجب این نگرش علاوه بر آنکه شناخت جامع‌تری از هر یک از صورت‌ها به دست می‌آید، ارتباط ساختاری و مفهومی ادراک متفاوت جهان در ذهن انسان، که هر یک صورت و ماهیت مختص به خود را دارند، در پرتو بینشی نو نمایان می‌شود.

کلید واژه‌ها: صورت سمبولیک، ابژه، سوژه، کارکرد بیانگر آگاهی، عمل خلاقه آگاهی، اسطوره و هنر.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل ۱- مفهوم صورت سمبولیک در فلسفه کاسیرر
۱۶	۱-۱- صورت سمبولیک
۲۱	۱-۱-۱- مفهوم انسان سمبول ساز
۲۸	۱-۲- کانت
۳۱	۱-۲-۱- زمان و مکان در اندیشه انتقادی کانت
۳۳	۱-۲-۲- اصالت اندیشه کاسیرر بر مبنای فلسفه انتقادی کانت
۳۶	۱-۳- هگل
۳۹	۱-۳-۱- اصالت فلسفه کاسیرر بر مبنای اندیشه هگل
۴۲	۱-۴- نگرش کاسیرر در باب سه صورت آگاهی نزد انسان
۴۵	۱-۴-۱- کارکرد بیانگر expressive function
۴۶	۱-۴-۲- کارکرد بازنمایانه Representational function
۴۶	۱-۴-۳- کارکرد مفهومی conceptual function
۴۹	۱-۵- انواع صورت ها:
۵۰	۱-۵-۱- اسطوره
۵۲	۱-۵-۲- زبان
۵۳	۱-۵-۳- دین
۵۴	۱-۵-۴- علم
۵۵	۱-۵-۴- هنر
۵۶	۱-۶- مروری بر نظریه صورت های سمبولیک کاسیرر

فصل ۲- اسطوره به مثابه صورتی سمبولیک

- ۶۰- ۱-۲- مقدمه: اسطوره در زندگی و آثار کاسیرر
- ۶۲- ۲-۲- چرا کاسیرر رویکرد فلسفی به اساطیر را برمی گزیند؟
- ۶۶- ۱-۲-۲- شلینگ
- ۷۱- ۲-۱-۲- ویکو
- ۷۵- ۳-۲- فلسفه اسطوره شناسی کاسیرر
- ۸۰- ۱-۳-۲- تقسیم بندی نظریه اسطوره کاسیرر به دو دوره
- ۸۱- ۱-۱-۳-۲- اصول بنیادین اندیشه کاسیرر در باب اسطوره: کاسیرر اول
- ۸۴- ۲-۱-۳-۲- اسطوره همپایه تفکر علمی
- ۸۶- ۲-۳-۲- اسطوره در اندیشه متأخر کاسیرر
- ۸۷- ۱-۲-۳-۲- لوسین لوی- برول
- ۹۱- ۲-۲-۲-۲- کاسیرر دوم
- ۹۵- ۳-۲-۲-۲- تفاوت نگرش کاسیرر و لوی- برول
- ۹۷- ۴-۲- دستاورد کاسیرر در باب ساختار آگاهی اسطوره‌ای
- ۹۸- ۱-۴-۲- ادراک ابژه در متن آگاهی اسطوره‌ای
- ۱۰۲- ۲-۴-۲- مفهوم علیت در اندیشه اسطوره‌ای
- ۱۰۸- ۳-۴-۲- ساختار شهودی آگاهی اسطوره ای
- ۱۱۰- ۱-۳-۴-۲- فضا
- ۱۱۱- ۲-۳-۴-۲- زمان
- ۱۱۳- ۳-۳-۴-۲- عدد
- ۱۱۵- ۴-۴-۲- کشف امر ذهنی در آگاهی اسطوره ای و تعیین آن
- ۱۱۶- ۱-۴-۴-۲- ادراک اسطوره‌ای از مفهوم «من»
- ۱۲۰- ۲-۴-۴-۲- توتم باوری به عنوان مرحله ای اساسی در تحول مفهوم من
- ۱۲۱- ۳-۴-۴-۳- مانا
- ۱۲۲- ۴-۴-۴-۳- ادراک مفهوم خدا در ساخت آگاهی اسطوره ای
- ۱۲۴- ۵-۲- در آخر

فصل ۳- هنر به مثابه صورتی سمبولیک

- ۱۲۷ ۳-۱- مقدمه
- ۱۲۸ ۳-۲- هنر به مثابه صورتی مستقل در آگاهی انسان
- ۱۲۹ ۳-۲-۱- هنر به مثابه صورتی سمبولیک
- ۱۳۰ ۳-۲-۲- کارکرد بیانگر آگاهی در صورت سمبولیک هنر
- ۱۳۱ ۳-۲-۳- سمبول در صورت سمبولیک هنر
- ۱۳۳ ۳-۲-۴- مفهوم صورت در نظام صورت‌های سمبولیک هنر
- ۱۳۷ ۳-۳- بررسی نگرش کاسیرر در باب صورت سمبولیک هنر از منظر تاریخی
- ۱۳۹ ۳-۳-۱- مسئله تقلید در هنر
- ۱۴۰ ۳-۳-۱-۱- مفهوم کاتارسیس نزد ارسطو
- ۱۴۲ ۳-۳-۱-۲- وجه تقلیدی هنر در نگرش کاسیرر
- ۱۴۳ ۳-۳-۱-۳- هنر بیانگر در برابر هنر تقلیدی
- ۱۴۴ ۳-۴- نظریه کلاسیک و رومانتیک هنر
- ۱۴۶ ۳-۴-۱- شعر غنایی
- ۱۴۸ ۳-۴-۲- مسئله نبوغ در هنر
- ۱۴۸ ۳-۴-۳- مفهوم لذت جویی در هنر
- ۱۵۱ ۳-۴-۴- هنر به مثابه انرژی روح
- ۱۵۲ ۳-۵- کارکردهای هنر نزد کاسیرر
- ۱۵۴ ۳-۶- در آخر

فصل ۴- نسبت اسطوره و هنر در نگرش کاسیرر

- ۱۵۸ ۴-۱- مقدمه
- ۱۶۰ ۴-۲- کارکرد بیانگر آگاهی در دو صورت اسطوره و هنر
- ۱۶۲ ۴-۲-۱- تمایز کارکرد بیانگر آگاهی در دو صورت اسطوره و هنر
- ۱۶۴ ۴-۲-۲- هنر در متن آگاهی اسطوره‌ای
- ۱۶۶ ۴-۲-۳- هنر بدوی و رابطه آن با جادو

۱۶۸	۴-۲-۴- عمل رقص
۱۷۳	۴-۳- تصاویر اسطوره‌ای و تصاویر هنری
۱۷۵	۴-۳-۱- تفاوت صورت سمبولیک اسطوره و هنر از منظر کارکردی
۱۷۷	۴-۳-۲- تفاوت صورت سمبولیک اسطوره و هنر از منظر غایت شناختی
۱۷۹	۴-۳-۳- تفاوت صورت سمبولیک اسطوره و هنر از منظر ادراک فردی
۱۸۰	۴-۳-۴- عمل خلاقه آگاهی
۱۸۲	۴-۴- هنر چگونه و طی چه فرآیندی قادر به ارائه درک نوینی از انسان و عالم است؟
۱۹۰	فصل ۵- نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۹۵	فهرست منابع

مقدمه

ارنست کاسیرر (۱۸۷۴-۱۹۴۵) جایگاه ویژه‌ای را در فلسفه قرن بیستم به خود اختصاص داده است. بسیاری از متفکران او را آخرین فیلسوف جامع العلوم معرفی کرده‌اند که به راستی آثار متعدد و نیز گسترده و وسیع دانش او گواه بر این مدعا می‌باشد. کرویژ^۱ در اثر خود^۲ به این نکته اشاره می‌کند که آثار کاسیرر اندیشمندان بسیاری را در حوزه های مختلف تحت تأثیر قرار داده است.^۳ مقالات بسیاری در موضوعات متنوع از وی منتشر شده است، اما اغلب کاسیرر را با عنوان فیلسوف فرهنگ می‌شناسند. در میان بزرگترین اندیشمندان فلسفی قرن بیستم، کاسیرر بیشترین پیوند را با فلسفه فرهنگ دارد و بدون توجه به این ویژگی خاص در آثار کاسیرر، نمی‌توان به درک درستی از فلسفه وی نائل آمد.

زندگی و آثار کاسیرر^۴

ارنست کاسیرر در ۲۸ جولای ۱۸۷۴ در یک خانواده توانگر و با نفوذ یهودی، در شهر برسلاو^۵ آلمان متولد و در سال ۱۸۹۲ در رشته حقوق وارد دانشگاه برلین شد. ولی حُب علاقه‌ای که به مباحث فلسفی کانت پیدا کرد، در ۱۸۹۴ حقوق را رها کرده و جذب ادبیات آلمانی و سپس فلسفه شد. آنچه کاسیرر را بیش از هر چیز جذب فلسفه و بخصوص مباحث شناخت شناسی نزد کانت می‌کند، قرائت

^۱ John Michael Krois

^۲ *Cassirer: Symbolic Forms and History*

^۳ کسانی چون اروین پانوفسکی - نظریه پرداز هنر، سوزان لانگر - زیبایی شناس هنر؛ پُل تیلش - یزدان شناس؛ و پُل اسکار کریسلر - فیلسوف مدرسی.

^۴ مقاله آغازین از مجموعه:

The Philosophy of Ernst Cassirer, ed. Paul Arthur Schilpp. The Library of Living Philosophers.

^۵ Breslau

ویژه‌ای بود که جرج زیمل^۱ از آراء هرمان کوهن^۲ درباره کانت ارائه می‌داد.^۳ پس از آشنا شدن با این قرائت خاص از کانت، کاسیرر با اشتیاق زیادی به سوی ماربورگ رهسپار شده تا شخصاً از مکتب کوهن بهره‌مند شود. کاسیرر از همان ابتدا توجه همگان را به خود جلب کرد و سرآمد حلقه دانشجویان کوهن شناخته شد. بی‌تردید دانش شگرف وی را باید تا حدود زیادی مرهون حافظه استثنایی او دانست. وی قادر بود صفحاتی چند از یک اثر را از حفظ بخواند، حتی اشعار شاعران بزرگ و نیز شاعران جدید را نیز از بر می‌خواند. کاسیرر نخستین پژوهش فلسفی خود را به لایب‌نیتس اختصاص داد؛ بخش نخست این اثر عظیم که درباره «تئوری شناخت دکارت» است را دانشگاه ماربورگ به عنوان رساله دکتری از وی پذیرفت. کاسیرر پژوهش‌های خود را در حوزه فلسفه، انسان‌شناسی و نیز علوم نوین و فیزیک ادامه داده و تصمیم می‌گیرد تصویر جامعی از تکوین معرفت‌شناسی در فلسفه و علم در عصر جدید ارائه دهد. کاسیرر چهار جلد کتاب در باب «مسئله شناخت» از خود باقی می‌گذارد. هدف کاسیرر این بود که تصویر جامعی از اندیشه مدرن اروپایی که اوج آن در فلسفه کانت بود، ارائه دهد. جلد نخست این اثر در سال ۱۹۰۶ و جلد دوم در سال ۱۹۰۸ انتشار یافت و توفیق بزرگی در راستای هدف فوق حاصل شد. پانزده سال بعد جلد دیگری بدان افزود و در سال ۱۹۴۱ جلد چهارم را به پایان رسانید و تصویر جامعی از تحول معرفت‌شناسی در فلسفه پس از کانت و تا زمان خود را بدست داد. اما بزرگترین دستاورد کاسیرر در این اثر «ایجاد زمینه‌ای عام و گسترده بود با پیوستن تحول شناخت به کلیت فرهنگ معنوی، یعنی اسطوره و مذهب، روان‌شناسی و مابعدالطبیعه، اخلاق و زیبایی‌شناسی.» (کاسیرر، ۱۳۷۴، ص ۱۹) کاسیرر دریافته بود که در تکوین معرفت‌شناسی همه عناصر فرهنگ، برخی از عناصر و حلقه‌ها غایب

¹ Simmel

² Cohen

^۳ کوهن نخستین یهودی بود که به مقام استادی در آلمان نائل آمده بود. وی بنیان‌گذار تفسیر ویژه‌ای از نئو-کانتیسم در مکتب ماربورگ بود. بر مبنای این قرائت، کانت بیش از آنکه به عنوان یک دانشمند علوم مابعدالطبیعی شناخته شود به عنوان یک پدیدارشناس و یا فیلسوف علم در ایدئالیسم سنتی آلمان شناخته می‌شد. رک. به مقدمه کتاب: روسو، کانت، گوته، دو رساله از ارنست کاسیرر، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۱۴-۱۵.

است، لذا همه این عناصر را مورد تأمل و ارزیابی قرار داد و ویژگی‌های اصیل و ماهیت اساسی هر یک را نمایان ساخت؛ شالوده مبحثی که بعدها به صورت نظریه «صورت سمبولیک» در می‌آید.

اولین جلد از آثار کاسیرر قابلیت و توانایی ویژه او برای کسب کرسی استادی در دانشگاه برلین را نمایان ساخت. او به عنوان استاد از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۹ در این دانشگاه مشغول تدریس شد. در سال ۱۹۱۹ کاسیرر کرسی استادی دانشگاه تازه تاسیس هامبورگ را از آن خود کرد. وی تا سال ۱۹۳۳ زمانی که مجبور به مهاجرت از آلمان شد، زمان خود را صرف تدریس در دانشگاه هامبورگ کرد و یکی از بزرگترین فیلسوفان آلمان شناخته شد. «جوهر و مفهوم تابع» (۱۹۱۰) نخستین اثر نظام‌مند کاسیرر است که در آن کاسیرر به تبیین نگرش فلسفی خود می‌پردازد. دو مقوله در اندیشه کاسیرر بسیار با اهمیت است و اساس فلسفه وی را تشکیل می‌دهد. نخست چگونگی "مفهوم سازی" در ذهن و دوم مقوله "رابطه" است که اساساً ارزش و نحوه کارکرد مقولات و مفاهیم را تعیین می‌کند. کاسیرر نظریه مفهوم خود را با نقد نظریه علم منطقی مبتنی بر نظریه مفاهیم ارسطو آغاز کرده و بیان می‌دارد که آن نوع از مفهوم سازی در ذهن که به واسطه تجرید از گروه مشابهی از پدیدارها رخ می‌دهد، عملاً به سوی ساده سازی و حذف خصایص و جزئیات مربوط به کلیت آن اشیاء پیش می‌رود و این امر منطقی ناممکن است. کاسیرر معتقد است هنگامی که ما اغلب مفهومی را در ذهن می‌آوریم کلیت آن مفهوم و تمامی جزئیات و عناصر مشترک میان متعلقات آن مفهوم را نیز در بر می‌گیرد. لذا «مفهوم اصیل بر جزئیات و ویژگی‌های خود بی تفاوت نیست، بلکه می‌خواهد ضرورت وقوع و پیوند همین جزئیات را نشان دهد ... اینجا مفهوم هر چه کلی‌تر بنماید در محتوا نیز غنی‌تر است.» (همان، ص ۲۴) نتیجه طبیعی نگرش کاسیرر در باب مفهوم سازی در ذهن، توجه به شناخت و نحوه دسته بندی «مفاهیم» اساسی در فرایند شناخت و چگونگی ساختار این مفاهیم در شاخه‌ها و عرصه‌های متفاوت نمودهای عینی آگاهی نزد انسان است. کاسیرر به خصوص به این موضوع می‌پردازد که چگونه مفاهیم در ذهن از صورتی به صورت دیگر تغییر ماهیت می‌دهند و اساساً این تغییر ماهیت چگونه روی می‌دهد؛ و نیز چگونه تأثرات حسی محض

منجر به ظهور صورت‌های آگاهی در انسان می‌شوند. لازم به ذکر است که وی تحلیل خود را بر مبنای علم شیمی ارائه می‌دهد که در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد.

رویکرد اتخاذ شده، اهمیت عنصری دیگر در فلسفه وی را موجب می‌شود. مسئله «رابطه» بسیار برای کاسیرر با اهمیت است. وی تعیین ارزش و کارکرد اشیاء و عناصر مختلف را تنها در محدوده رابطه‌ای می‌داند که این عوامل با یکدیگر برقرار ساخته و یا در آن قرار می‌گیرند. اشیاء و پدیدارها تنها در یک نظام رابطه‌ای است که کارکردها و ماهیت حقیقی خود را عیان می‌سازند. کلیت و شمولی که این تعریف نوین از مفهوم‌سازی در ذهن، ایجاد می‌کند سبب می‌شود که درک صحیحی از جهان به تجربه درآمده برای انسان حاصل شود. آنچه کاسیرر در «جوهر و مفهوم تابع» عرضه می‌دارد، بعدها در فلسفه صورت‌های سمبولیک نمود واقعی و عینی خود را می‌یابد.

اما این تنها نتیجه تحقیقات کاسیرر در حوزه شناخت نبود. تئوری مفهوم وی سودمندی عظیم خود را برای کل حوزه شناخت در برداشت. کاسیرر خود دلبسته هنر و به خصوص هنر شعر بود و این امر موجب می‌شد تحلیل‌هایی که از آثار هنرمندانی چون گوته به دست می‌دهد، بسیار عمیق و موشکافانه باشد؛ انتشار کتاب «آزادی و صورت» وی را در پرتوی تازه‌ای قرار داده و جنبه‌های دیگری از قدرت و توانایی وی را آشکار ساخت. کاسیرر در این اثر نشان می‌دهد که درکش از هنر و شعر به اندازه ادراکش از علم، ژرف و نافذ است. جالب آنکه ارائه تحلیل‌های شگرف از آثار گوته بود که این احساس را در وی پدید آورد که شاعران و ادیبان بزرگ، چون فلاسفه، در جستجوی راه‌حلی برای حل مسائل هستی و حیات انسان هستند. با این تفاوت که «آنها اندیشه و باورهایشان را از طریق سمبول‌ها و تصاویر عینی بیان می‌کنند و نه در قالب استدلال‌های مجرد.» (Gawronsky, p. 24)

وقوع جنگ جهانی اول و بحران‌های روحی حاصل از آن سمت و سوی دیگری به آثار بسیاری اندیشمندان در آن زمان می‌دهد و رویکردهای جدیدی را در حوزه شناخت موجب می‌شود. در این زمان

کاسیرر مجموعه سه جلدی «فلسفه صورت‌های سمبولیک»^۱ را به رشته تحریر درمی‌آورد. این اثر سهم بزرگی در تفهیم ضروری ترین مسائل در تاریخ فرهنگی ما را بر عهده دارد. جلد نخست این اثر در باب "زبان" (۱۹۲۲)، جلد دوم به "اندیشه اسطوره‌ای" (۱۹۲۵) و جلد سوم به "پدیدارشناسی شناخت" (۱۹۲۹)^۲ اختصاص دارد. «فلسفه صورت‌های سمبولیک» مهمترین اثر فلسفی کاسیرر است که در آن کاسیرر به طور جامع به تبیین اندیشه خود پرداخته است. آنچه به واقع این اثر را در جایگاهی برتر از دیگر آثار کاسیرر قرار می‌دهد، ترک نگرش تک‌بعدی بود که وی بر مبنای نگرش کانت، از فرایند شناخت در ذهن ارائه داده بود. اما کاسیرر در «فلسفه صورت‌های سمبولیک» به اثبات این امر می‌پردازد که در کنار خرد بشری که نقش مفهوم‌سازی را بر عهده دارد، کلیت ذهن با تمامی انگیزش‌ها، احساسات، تخیلات و نقش‌هایی که می‌پذیرد، دریافت ما از واقعیت و لذا شناخت ما را شکل می‌دهد. نمود ترکیب ذهن و عین (جهان) است که صورت سمبولیک را شکل داده که همواره در ساختاری رابطه‌ای میان جهان درون و بیرون فرایند شناخت در انسان را موجب می‌شود. کاسیرر در این اثر عهده‌دار وظیفه بزرگ دیگری می‌شود و آن تبیین ساختار اندیشه انسان در قالب نموده‌های بی‌پایانی از صورت‌های سمبولیک است؛ نخست شناخت هر یک از صورت‌ها و ویژگی‌های ساختاری آنها و سپس تعیین اینکه کدام یک از این صورت‌ها زیر ساخت دیگر حوزه‌ها در حیات اجتماعی و فرهنگی انسان قرار می‌گیرند. از این رو تحلیل کاسیرر محتوایی تاریخی و نظام‌مند دارد و از صورت‌های ابتدایی‌تر به سوی صورت‌های مفهومی پیش می‌رود. دو جلد نخست به هر یک از صورت‌های زبان و اسطوره به صورت مجزا می‌پردازد و در جلد سوم کاسیرر صورت علم را مورد بررسی قرار می‌دهد که از نظر موضوعی اندکی متفاوت با دو اثر پیشین است. جلد سوم این اثر از نظر درجه اهمیت در مباحث شناخت‌شناسی مقدم بر دو اثر دیگر می‌باشد؛ زیرا این اثر بر روی یک پدیده فرهنگی خاص متمرکز نشده است. این اثر به بررسی سیر تحول معنا و کارکرد اسطوره در گستره تمدن بشر و نحوه سوق پیدا کردن آن به علم، و یا به عبارت کلی‌تر تحول یک صورت فرهنگی به صورت فرهنگی دیگر می‌پردازد و سیر تحولی فرهنگ را چنان دیالکتیکی

^۱ *Philosophy of Symbolic Forms*, (1922-1929)

^۲ *Phenomenology of Knowledge*.

در نظر می‌گیرد که میان تمامی صورت‌های فرهنگی وجود دارد. لذا می‌توان تمامی تناقضات درونی صورت‌های مختلف فرهنگی را بر مبنای منطقی کلی، حاکم بر تمامی صورت‌ها، مورد ارزیابی قرار داد.

در خلال نگارش این اثر بزرگ، کاسیرر کتابی در باب تئوری "نسبیت اینشتاین" نگاشت و ده‌ها مقاله فلسفی و ادبی دیگر نیز منتشر کرد. کاسیرر در سال ۱۹۳۰ به ریاست دانشگاه هامبورگ نائل شد. در این زمان وی به عنوان فیلسوفی جامع‌العلوم در زمینه‌ها و شاخه‌های متنوع صاحب نظر بود. حوزه‌های چون علوم اجتماعی، ریاضی و هندسه، زیبایی‌شناسی و هنر مدرن و از همه مهمتر مسائل مربوط به فیزیک هسته‌ای. کاسیرر چهارده سال از عمر خویش را در هامبورگ گذراند و چند اثر دیگر را نیز به نگارش درآورد.^۱ پس از به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان کاسیرر انجا را ترک کرده و راهی انگلستان (۱۹۳۳-۳۵) و سپس سوئد (۴۱-۱۹۳۵) شد. کاسیرر در سال ۱۳۳۷ کتاب «تعیین و عدم تعیین» را منتشر کرد. کاسیرر این اثر را از مهم‌ترین دستاوردهای خود می‌دانست.^۲ وقوع جنگ جهانی دوم کاسیرر را روانه آمریکا کرد و تا پایان عمر در آنجا ماند.

با ورود به آمریکا دوران تازه‌ای در زندگی کاسیرر آغاز شد. کاسیرر در این دوره زمان بیشتری را صرف پژوهش در حوزه‌های علوم اجتماعی کرد. مقوله فرهنگ و بررسی عناصر آن به صورت منسجم و پیوسته بخش عمده مطالعات و آثار وی را تشکیل می‌دهد. هر چند در ابتدا کاسیرر از حوزه‌های عینی‌تر مانند اسطوره و زبان آغاز کرده بود، اما این نیاز به ارائه طرحی نظام‌مند که تمامی حوزه‌ها را در برگیرد، همواره سبب آن می‌شد که وی حوزه مطالعات خود را گسترش داده و جنبه‌های معرفت‌شناختی دیگر حوزه‌ها و اصول خاص هر یک را مورد بررسی قرار دهد. حاصل این نگرش کتاب «رساله‌ای در باب

^۱ رک همان اثر، ص ۲۸.

^۲ این اثر در باب یکی از بغرنج‌ترین مسائل فیزیک جدید است که کاسیرر برای حل این مسئله نظام نمادینی را پیشنهاد می‌دهد که در آن به «ضرورت به کارگیری انواع مختلفی از نمادها» و تبیین یک شکل واحد از همه آنها، تأکید می‌شود. کاسیرر از این ایده که یکی از اصول اساسی «فلسفه صورت‌های سمبولیک» است، روش منسجمی برای تفسیر نتایج بنیادین فیزیک هسته‌ای ارائه می‌دهد.

انسان» (۱۹۴۴) است. وی در این اثر نه تنها طرح خلاصه‌ای از تحقیقات خود در باب اسطوره، زبان، مذهب و علم داده است، بلکه نقش تعیین کننده‌ای که صورت سمبولیک در عرصه هنر بازی می‌کند را به تفصیل نشان می‌دهد. کاسیرر حیات فکری خود را با نگارش کتاب «اسطوره دولت» (۱۹۴۴) به پایان می‌برد که آخرین اثر وی محسوب می‌شود و در آن به بسیاری گرایش‌های نوین در فلسفه و نیز نقد و بررسی فلسفی اسطوره‌های سیاسی نوظهور اشاره دارد.

کاسیرر تا پایان عمر خویش بیش از ۱۱۳۸۰ صفحه را به نگارش درمی‌آورد.^۱ فلسفه کاسیرر نه یک نظریه پردازی ساده در باب شناخت و یا انواع صورت‌های آگاهی در انسان است و نه یک تاریخ‌نگاری غیرنظام‌مند که عناصر آن از هم متفرق است. اسطوره، زبان، دین، هنر، تکنولوژی و علم نوین که جملگی از دستاوردهای فرهنگی انسان هستند، و نهایتاً انسان‌شناسی وی، در نظریه او در باب فرهنگ ماهیت حقیقی خود را می‌یابند. آثار نظام‌مند کاسیرر در باب عناصر فرهنگ و همچنین نگرش تاریخی وی به این عناصر دو جنبه متفاوت اما پیوسته فلسفه او در باب شناخت است. آنچه کرویز آن را «فهم فلسفی حیات تاریخی انسان» می‌نامد.^۲

۱

بر اساس آنچه عنوان این پژوهش مطرح می‌کند، پرسش اصلی آن است که چه رابطه و یا نسبتی میان صورت سمبولیک اسطوره و صورت سمبولیک هنر برقرار است. اما پیش از پرداختن به این پرسش می‌باید مفردات و برخی مفاهیم اساسی در اندیشه کاسیرر شرح داده شود و مقصود وی از آنها روشن شود. بر این اساس ابتدا تعریفی از این مفاهیم، مانند مفهوم «ادراک»، «عناصر مبین شناخت»، «مقولات ویژه اندیشه چون علیت، فضا و زمان» و از همه مهمتر مفهوم «صورت سمبولیک» نزد کاسیرر، که مفهومی اساسی در اندیشه وی است، ارائه شده، نقاط اشتراک و تأثیری که وی از فلاسفه بزرگی چون

^۱ به نقل از کتاب:

Cassirer and Longer on Myth, An Introduction. Whilliam Schultz, (2000), p.4.
^۲ To philosophically understand historical life. *Cassirer: Symbolic Forms and History.* p.XI.

کانت، هگل و شلینگ گرفته است و همچنین تکامل نظریه وی در مقابل اندیشه ایشان، ارائه می‌شود. سپس هر یک از صورت‌های اسطوره و هنر به صورت مجزا و قائم به ذات، چنانچه کاسیرر می‌پنداشت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت شاهد آشکارگی رابطه این دو صورت و چگونگی برخاستن صورت هنر از ساختار آگاهی اسطوره‌ای هستیم که هنر را به سوی بازنمایی‌های مستقل سوق می‌دهد.

در واقع «صورت سمبولیک» عنوانی است که کاسیرر از آن سود می‌جوید تا چگونگی ادراک و عمل شناخت نزد انسان را شرح دهد. صورت‌های سمبولیک نمایانگر سطوح مختلف آگاهی و نیز ساخت‌های متفاوت جهان در ذهن انسان است. از آنجا که انسان همواره در پی آگاهی بر خویش و عالم خویش بوده است، مبادرت به خلق صورت‌هایی می‌کند تا از طریق آنها بتواند بر عالم علم پیدا کند و تا حدودی آن را تحت سلطه خود درآورد. از این رو انسان برای هر پدیده‌ای یا هر شی‌ای کارکرد و ویژگی خاصی قائل می‌شود و آن را در جهت منظور و هدف خاصی مورد استفاده قرار می‌دهد؛ جهان خود را آکنده از صورت‌هایی می‌کند که بدون آنها قادر به برقراری ارتباط با جهان و حتی خویش نخواهد بود. به واسطه این صورت‌ها، که صورت‌های آگاهی انسان هستند، انسان قادر است افکار و اندیشه خود را بیان کند، به طور مستمر تجربیات خویش را مورد ارزیابی قرار دهد و گستره دانش خود را هرچه وسیع‌تر گرداند. این صورت‌ها شامل اسطوره، زبان، دین، هنر و علم است و در مجموع حیات فرهنگی و اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهند. به واسطه این صورت‌ها جهان انسان دیگر جهانی مادی و محض نیست و تبدیل به جهان سمبولیکی می‌شود که صورت‌ها عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند و بدون مداخله و وجود آنها انسان قادر نخواهد بود بر چیزی شناخت پیدا کند. در واقع این صورت‌های سمبولیک هستند که کلید فهم کلیه امور را در اختیار ما قرار می‌دهند.

بر این اساس، کاسیرر ادراکی منفرد از مفهوم فرهنگ را بر بنیانی چند پایه که «صورت سمبولیک» نام دارد، نمایان می‌سازد. کاسیرر برای این ادراک نوین از دانش و فرهنگ، وجهی مشترک در میان تمامی حوزه‌های تجربه انسانی را جستجو می‌کند و آن را در مفهومی به نام «صورت سمبولیک» می‌یابد. اهمیت

این نگرش از آنجا ناشی می‌شود که کاسیرر به واسطه این مفهوم و گستره دانش خود در حوزه‌های مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ‌ادیان و علوم نوین، تبیین‌هایی را ارائه می‌دهد که تمامی فعالیت‌های انسان در طول تاریخ را شامل شده و برای جملگی آنها ارزش و اعتباری یکسان در شکل‌دهی به فرهنگ قائل است. جزئی‌ترین صورت‌های ضمنی و برداشت‌های عینی از عالم تا صورت‌های ذهنی و مفهومی در تحلیل نظام‌مند وی گنجانده شده است. کاسیرر حوزه‌های مختلف را هم به صورت مجزا و هم در وحدت عمل با یکدیگر در نظر می‌گیرد و در عمل بسیار فراتر از گزینش‌های جزئی و تحلیل‌های منفرد می‌رود. از این روست که کاسیرر را فیلسوف فرهنگ می‌نامند.

کاسیرر معتقد است تمامی برتری بشر نسبت به دیگر موجودات به این قابلیت برجسته و متمایز انسان در صورت بخشیدن به جهان خویش به واسطه صورت‌های بیانگر اسطوره، جهان زبان، تصاویر هنری و نظام نشانه‌گذاری و علم اعداد وابسته است. این امر موجب می‌شود کاسیرر شکل تازه‌ای به تعریف افلاطونی از انسان ناظر بر عنوان حیوان منطقی ببخشد و در این تعریف جدید انسان را «حیوان سمبول‌ساز» معرفی کند. همچنین کاسیرر حوزه‌های مختلف فرهنگی را بیان‌های متنوع روح در فرایند پوینده حیات می‌داند که به وسیله صورت سمبولیک نمایان می‌شود. هر حوزه از فرهنگ صورت درونی و مختص به خود را دارد و از مقامی ویژه و منحصر به فرد برخوردار است؛ در حالیکه این تمامیت در خود، در توازن و هماهنگی با دیگر صورت‌ها قرار دارد و گستره فرهنگ انسان را به صورت کلیتی واحد نمایان می‌سازد. وظیفه و کارکرد فرهنگ برای کاسیرر، ادراک و مفصل‌بندی این کلیت است در حالی که تمامیت و کمال هر صورت سمبولیک را حفظ کرده و آن را به رسمیت می‌شناسد.

کاسیرر با ناکافی دانستن رویکردهای گوناگون تجربی و مابعدالطبیعی محض به تاریخ و فرهنگ انسان، به خصوص حوزه فرهنگی، رویکردی فلسفی جهت مطالعه تاریخ و فرهنگ انسان را پیشنهاد می‌دهد. از سوی دیگر کاسیرر این میزان توجه به کلیت واحد فرهنگی را مرهون هگل و فلسفه ایدئالیسم مطلق اوست. وی به طور آشکار اظهارات هگل را مورد تأیید قرار می‌دهد که هر آنچه به صورت کلیت